

بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست مورد مطالعه: ساکنین مناطق ۵ و ۱۸ شهر تهران

عبدالرضا ادهمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی انجام گرفته است. جهت تدوین چارچوب نظری از نظریات دورکیم، وبر، پارسونز، گیدنز و ژرژ تومه استفاده شده است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق پیمایش و تکنیک پرسشنامه بر روی ۴۰۰ نفر از افراد در دو منطقه ۵ و ۱۸ شهر تهران انجام شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی و در قالب جداول توزیع فراوانی و در سطح آمار استنباطی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر انجام گرفته است. نتایج حاصله نشان داد که متغیرهای احساس مسئولیت، اخلاق اجتماعی، آموزش و ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی مؤثر هستند. در مقابل رابطه معنی‌داری میان هنجارسازی در رفتار زیست‌محیطی به دست نیامد. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که فرهنگ عامل تعیین‌کننده رفتارهای افراد در یک جامعه از جمله رفتار زیست‌محیطی است.

کلیدواژه‌ها: محیط‌زیست، رفتار زیست‌محیطی، احساس مسئولیت، اخلاق اجتماعی، یادگیری، ارزش‌های دینی

مقدمه

طبیعت و محیط‌زیست موهبتی خداوندی است که از مجموعه موجودات، منابع و عوامل و شرایط هماهنگی که در اطراف هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات به آن وابسته است به وجود می‌آید. محیط‌زیست محل زندگی و تأمین‌کننده اصلی‌ترین نیازهای انسان و پدیده‌ای است که هرروز بر اهمیت آن افزوده می‌گردد اما متأسفانه انسان در دوران سلطه خویش بر این کره خاکی به استفاده بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی از منابع طبیعی، ایجاد آلودگی‌های خطرناک در خاک، آب‌وهوا و تخریب محیط‌زیست، پرداخته است.

فرهنگ عامل اصلی و به معنایی‌موتور توسعه پایدار و حفاظت از محیط‌زیست است. بهبود محیط‌زیست زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان باهم مرتبط باشند. لازمه تحقق چنین هدفی، وجود اخلاق زیست‌محیطی در تمامی اقشار یک جامعه در یک کشور هست. اخلاق زیست‌محیطی رفتار ایدئال بشر نسبت به محیط زندگی خود اعم از محیط طبیعی، محیط اجتماعی و فرهنگی است. (اژدری، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۷) مجموعه رفتارهای ضابطه‌مند در بستر فرهنگ موجب جهت‌دهی در ابعاد مختلف زندگی خواهد بود؛ به عبارت دیگر فرهنگ ریشه و ساختار اصلی توسعه همه‌جانبه است و زمانی می‌توان انتظار شادابی و پویایی را برای جامعه تصور نمود که این ساختار به صورت اصولی انجام یافته باشد.

متأسفانه غالب جمعیت کشور در زمینه فرهنگ زیست‌محیطی با چالش‌های متشابهی روبروست و وسعت دامنه، مقیاس و پیچیدگی آن بی‌سابقه است، فشار آلودگی‌های زیست‌محیطی در مرز بحرانی است و هنوز جامعه فرهنگی کشور در سطوح ادراک مفاهیم، روش‌شناسی‌های نوین و ... تاکنون نتوانسته است آن‌طور که باید و شاید به صورت فرهنگ زیست‌محیطی و کاربردی در کشور جایگاهی پیدا نماید. بالاینکه در اصل پنجاهم قانون اساسی، اهمیت حفظ محیط‌زیست بسیار زیبا و همه سو نگر نگارش و قوانین و مقررات دیگری هم به تبعیت از آن تهیه و تدوین و مصوب گردیده است، اما حفظ محیط‌زیست تنها در شعار باقی‌مانده است، چرا که به دلیل خلأهای آموزشی و آگاهی‌های زیست‌محیطی، نبود احساس مسئولیت در کل جامعه، عدم اخلاق اجتماعی مناسب و فقر فرهنگی، آلودگی‌های زیست‌محیطی کشور را به مرز بحرانی سوق داده است.

بیان مسئله

از مسائل روز جهان مسئله حفظ محیط زیست است. فاجعه زیست محیطی نه تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می رباید که موجودیت بشر را تهدید می کند، به همین دلیل در محافل علمی و سیاسی بحث زیست محیطی پر سرو صداترین و جدی ترین بحث روز است. (ولایی، ۱۳۸۴: ۲۴)

در پیگیری علل و عوامل آن دو عامل بیشتر جلب توجه می کند یکی دیدگاه انسان متمدن نسبت به طبیعت، دیگری توسعه فن آوری است. بشر متمدن خود را مالک طبیعت دانسته و بر این باور است که انسان به عنوان اشرف مخلوقات حق هرگونه استفاده از طبیعت را داراست بدون آنکه در بازسازی و نگهداری آن مسئولیتی داشته باشد. از طرف دیگر با توسعه فن آوری بشر دستاوردهای عظیم و شگفت انگیزی به دست آورده در خالی که همین عوامل سازنده و دگرگون کننده زندگی بشر را در معرض نابودی قرار داده است. (همان: ۲۴)

اکنون مسائل زیست محیطی به قدری دامنه پیدا کرده اند که قلمرو آن ها دیگر به مسائل فنی ختم نمی شود. امروزه مسائل زیست محیطی عمیقاً دارای مفهوم اجتماعی اند و در کل مسائل زیست محیطی ریشه فرهنگی دارند و به منظور پذیرش بافت های فرهنگی یک جامعه بایستی به صورت ساختاری با موضوع برخورد نمود. حفظ محیط زیست به مسائل زیادی ارتباط دارد که بزرگ ترین و مهم ترین آن مسئله فرهنگ اجتماعی است. در مسئله محیط زیست رفتارهای نابهنجار در ارتباط با محیط زیست به علت ناآشنایی با فرهنگ شهرنشینی و عدم درک درست از اوضاع زیست محیطی حاکم بر جامعه و وضعیت اعتقادات فرهنگی مردم است زیرا مردم فرهنگ استفاده از منابع طبیعی و امکانات زیست محیطی و فرهنگ زیستن همراه با همزیستی با طبیعت را نیاموخته اند و یا به درستی آن را درونی نکرده اند که این تحقیق سعی بر آن دارد که به چند جنبه از عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست بپردازد.

اساسی ترین وظیفه انسان امروزی در قبال همه داشته های طبیعی و ساخته های دست انسان، "مسئولیت پذیری" اوست. با کمی دقت می بینیم تا وقتی که انسان از طبیعت می ترسید و تا زمانی که طبیعت توانسته بود قدرت و اقتدار خود را حفظ کند، همه چیز روال معمول خود را طبق قانون طبیعت داشت. حتی قانون جنگل و طبیعت هم زیبا بود، چرا که چرخه ای بود منظم که در آن هر از بین رفتنی، تولدی دوباره داشت؛ اما انسان با ورود خود به مدد هوش و استعدادش، نظم طبیعت و حرکت چرخه ای آن را برهم زد. (اسلام زاده، ۱۳۸۲: ۴۳)

مردم جامعه ما مقید به دین مبین اسلام هستند. دینی که در مورد همه مسائل، اخلاق زیست‌محیطی فرمان‌ها و رهنمودهای خاص خود را دارد و اهمیت ویژه‌ای به عمران و آبادانی داده است.

بر طبق آیات قرآن، خداوند به انسان قدرت و امکانات لازم را داده و او را مکلف به عمران و آبادانی زمین نموده است در همین زمینه در سوره هود می‌خوانیم «او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و عمران و آبادانی اش را به شما واگذاشت» (سوره هود، آیه ۶۱) قرآن نمی‌گوید خداوند زمین را به شما تفویض کرده، اشاره به اینکه وسایل از هر نظر آماده است اما شما باید با کار و کوشش خویش زمین را آباد سازید. (اصغری لغمجانی، ۱۳۸۷: ۱۲۴)

یکی از دلایل عمده عدم مشارکت افراد در حفاظت از محیط‌زیست نداشتن علاقه است، به‌طوری که افزایش علاقه عمومی برای شناخت مشکلات در اولین مرحله، فرآیند جلب مشارکت عمومی است، لیکن افکار عمومی اطلاعات کمی نسبت به موضوع دارند و اکثریت جامعه باید برای شناسایی مشکلات و واقعیت‌های محیط ترغیب شوند. (Marzo, 1980: 22)

در این میان نقش اطلاعات شفاف و قابل فهم و علاقه باطنی بسیار مؤثر است.

برخورداری از سواد به‌عنوان یک توانایی ارزشمند انسانی است. امروزه حیات روبه رشد جوامع با میزان سواد و دانش پیوند خورده است؛ بنابراین ایجاد تحول و ارتقاء فرهنگ زیست‌محیطی مستلزم افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در زمینه مسائل زیست‌محیطی و اشاعه آموزش زیست‌محیطی در ابعاد گسترده‌تر است. (فرصت، ۱۳۸۴: ۲۳)

مسئله دیگری که در این مقاله به آن پرداخته شده است، احیاء آداب و رسوم است که در بطن آن‌ها مسئله حفظ محیط‌زیست وجود دارد. پررنگ کردن آن‌ها و اینکه به اعضای جامعه معرفی گردند. جامعه‌ای که به‌جای ارزش‌های سنتی، سنت پرستی را پیشه کند، از عمق ارزش‌ها بیرون می‌آید و فقط نظاره‌گر آن شود. در چنین جامعه‌ای که ارزش‌های آن در ظواهر خلاصه شود مانند حبابی، با یک اشاره از بین می‌رود، مسئولیت نمی‌تواند جایگاهی پیدا کند. (اسلام زاده، ۱۳۸۰: ۵۰)

از طرفی مردم به تنهایی توانایی محافظت از محیط‌زیست خود را ندارند، حال به هرگونه که باشد. باید ارگان‌ها، سازمان‌ها، نهادها نیز مانند شهروندان وظایفی بر عهده گیرند و به معنای دیگر وظایفی که بر عهده شهروندان است بر عهده سازمان‌ها و دیگر ارگان‌ها نیز هست. وظیفه

مهم سازمان‌ها ایفای نقش‌های مهم در این زمینه از جمله توجه دادن مردم به ارزشمند بودن محیط‌زیست و برجسته‌سازی این مهم با ساخت و اجرای هنجارهای مناسب شهری است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

ناهنجاری‌های زیست‌محیطی همانند سرطان در اجزای سیاره ما در حال ریشه دواندن است، هر روز مراکز تحقیقاتی جهان از دگرگونی‌ها و تغییراتی که حادث شده یا در شرف تکوین است خبر می‌دهند. (فرصت، ۱۳۸۴: ۹۱) آب‌های زیرزمینی، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و حتی اقیانوس‌ها آلوده شده و سیستم اکولوژی آن‌ها در حال تخریب است. از تعداد گونه‌های حیوانات، پرندگان، گیاهان و دیگر موجودات زنده به علت آلودگی و نامساعد شدن محیط‌زیست کاسته می‌شود و برخی از منابع طبیعی رو به اتمام است. شاید از همه بدتر آلودگی روزافزون هوایی است که استنشاق می‌کنیم و سلامتی انسان‌ها را تهدید می‌کند. به‌طور کلی چنین به نظر می‌رسد که طبیعت زیبا و اعجاب‌انگیز ما در حال نابودی تدریجی است و درنهایت محیط‌زیست کره ما از جهات مختلف تحت فشار شدید قرار گرفته است. (دبیرسیاقی، ۱۳۸۳: ۱۳)

امروزه حفاظت از محیط‌زیست و اطمینان از پایداری و همه‌جانبه بودن توسعه آن جدی‌ترین چالش پیش‌روی جامعه جهانی است، بنابراین احیاء و نگهداری هرگونه حیاتی مساوی است با امکان زندگی بهتر و بیشتر برای انسان‌ها در روی کره زمین. رابطه بین انسان و سایر موجودات جهان به هم پیوند خورده که نابودی یک‌گونه می‌تواند یک گزینه از امکانات زندگی انسان را کاهش دهد. (ولایی، ۱۳۸۴: ۳۴)

متأسفانه صدمات وارده به محیط‌زیست اکثراً نامرئی و مدت زمانی طول می‌کشد تا آثار مخرب و مرگبار مختلف آن بر سلامتی بشر و طبیعت ظاهر شود به همین علت اغلب «فردا دیر است» که در جهت جلوگیری از صدمات به محیط‌زیست اقداماتی به عمل آید. (دبیرسیاقی، ۱۳۸۳: ۱۳)

در شهر تهران انواع و اقسام آلودگی‌ها وجود دارد که آن را در جهان به مقام دوم و گاهی اول رسانده است. بدیهی است اگر اقداماتی اساسی در زمینه حفاظت از منابع زیستگاهی و طبیعی انسان صورت نپذیرد، در آینده نزدیک مشکلاتی جدی در خصوص محیط‌زیست انسان خواهیم داشت.

اگر به هر صورتی به محیط اجتماعی، فرهنگی و طبیعی آسیب وارد شود، بازتاب‌های این آسیب را تمامی انسان‌ها احساس خواهند کرد، حتی اگر چنین تصور کنیم که این مسئله فقط به گروه محدودی از انسان‌ها مربوط شود. (تومه، ۱۳۸۰: ۶۰)

استفاده مطلوب از محیط‌زیست در کشور می‌تواند ضامن ماندگاری باشد و عدم توجه به آن می‌تواند متضمن مسائلی باشد که مجموعه برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور را با مخاطره روبه‌رو سازد. از این رو درک درست از نقش عوامل بازدارنده و کاستن از میزان آن‌ها در مقابل تقویت عوامل مشوق می‌تواند به موفقیت در امر حفاظت از محیط‌زیست بیانجامد... (Havvey, 1995: 15)

تبلور فرهنگ زیست‌محیطی در جامعه این است که فرد فرد آحاد مردم جامعه در جمیع جهات محیط‌زیست را یک پدیده حیاتی و با ارزش بدانند و هیچ‌گاه به‌عوامل تشکیل‌دهنده آن که هوا، آب و زمین می‌باشند آسیبی نرسانند. اگر ۱۰ درصد از افراد جامعه سیگار بکشند یقیناً در حق بقیه ظلم می‌کنند و حق بقیه را تضییع می‌نمایند و یا اگر ۲۰ درصد از افراد دارای ماشین باشند و با سوخت مواد فسیلی در ماشین‌شان ایجاد آلودگی نمایند، همچنین بقیه را از استنشاق هوای سالم محروم می‌نمایند. فرهنگ زیست‌محیطی درواقع این است که من و شما و همه افراد جامعه به‌طور برابر از امکانات برخوردار باشیم. (پورنجف، ۱۳۸۶: ۱)

اهداف تحقیق

هدف اصلی

مهم‌ترین هدف این پژوهش این است که عوامل فرهنگی (بیان‌شده در این تحقیق) مؤثر بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست در شهر تهران را شناسایی کند.

اهداف فرعی تحقیق

۱. سنجش تأثیر آموزش‌های مناسب بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران.

۲. سنجش تأثیر احساس مسئولیت بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران.

۳. سنجش تأثیر ارزش‌های سنتی و دینی بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران.
۴. سنجش تأثیر اخلاق اجتماعی بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران.
۵. سنجش تأثیر هنجار سازی‌ها از سوی ارگانها و سازمان‌ها بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی تحقیق

سؤال اصلی تحقیق با توجه به هدف اصلی تحقیق این است که آیا رابطه معنی‌داری بین عوامل فرهنگی شناخته‌شده در این پژوهش و رفتارهای معطوف به حفظ و بهبود محیط‌زیست شهر تهران وجود دارد؟

سؤالات فرعی تحقیق

۱. آیا آموزش و آگاهی‌های زیست‌محیطی بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست مؤثر است؟
۲. آیا احساس مسئولیت در بین مردم و مسئولین بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست مؤثر است؟
۳. آیا حفظ ارزش‌های سنتی و دینی بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست مؤثر است؟
۴. آیا اخلاق اجتماعی بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست مؤثر است؟
۵. آیا هنجار سازی‌ها از سوی ارگان‌ها و سازمان‌ها بر رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران مؤثر است؟

مفاهیم اساسی تحقیق

فرهنگ:

تایلور معتقد است فرهنگ به مجموعه‌ای آموخته‌شده از شناخت، باور، هنر، اخلاقیات، حقوق و عرف اشاره می‌کند. این تعریف به‌طور ضمنی فرهنگ و تمدن را یکی می‌داند.

(مارشال، ۱۳۷۸: ۲۹۴)

آلودگی:

آلودگی عبارت است از هر نوع تغییر مستقیم یا غیرمستقیم در ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی، زیست‌شناختی یا رادیواکتیوایی هر بخش از محیط‌زیست، مانند آب، هوا یا زمین با تخلیه یا انباشتن آلاینده‌ها و انجام اعمال آلاینده به نحوی که در سودمندی محیط‌زیست یا هر بخش از آن تأثیر زیان‌آوری بگذارد. (دولت آبادی، ۱۳۸۲: ۲۰۱)

محیط‌زیست شهری:

منظور از محیط شهری فضاهای انسان ساخته، ساختمان‌ها، پیشرفت‌ها و ساختارهایی است که در شهرک‌ها و شهرها می‌یابیم و این در برابر حیات وحش (که در آن هیچ ردپایی از انسان نیست یا رد اندکی هست) و یا در برابر خارج از شهر روستایی قرار می‌گیرد. شهر و شهرک نشان‌دهنده محیط ساختگی است که انسان‌ها برای خود یا دیگران درست می‌کنند و ظهور محیط شهری نیز، چه از لحاظ تاریخی و چه از لحاظ مفهومی، مدرن‌ترین محیط‌هایی است که انسان‌ها و غیر انسان‌ها در آن سکونت دارند. (بری، ۱۳۸۰: ۳۴)

زیان‌های زیست‌محیطی:

در تعریف زیان‌های زیست‌محیطی می‌گویند خساراتی است که بر اشخاص یا اشیاء از طریق محیط‌زیستی وارد شود که در آن زندگی می‌کنند. در این جا محیط‌زیست منبع خسارت است، نه زیان‌دیده. برخی دیگر بر این باورند که این خسارات، ناشی از آلودگی است و مرتبط با همه خساراتی است که در کاهش عناصر طبیعی (آب، هوا، صدا) دخیل است. با دقت در آن‌ها، بیشتر

مواقع عناصری نادر را در این زیان می‌بینیم. نتایج زیان‌بار آسیب‌های زیست‌محیطی برگشت‌ناپذیر است. خسارات به‌صورت جمعی وارد شده و اسباب متعددی دارد. (محسن زاده ۱۳۸:۱۵۹۸)

پیشینه‌ی تحقیق

- ۱- تحقیقی با عنوان «مطالعه نقطه نظرات و رفتارهای زیست‌محیطی در ایران» توسط صادق صالحی در سال ۱۳۸۸ انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که افراد نسل قدیم در مقایسه با نسل جدید از رفتارهای زیست‌محیطی بیشتری حمایت می‌کنند و نیز هر چه افراد درآمد بیشتری داشته باشند رفتارهای زیست‌محیطی مخرب‌تری از خود نشان می‌دهند.
- ۲- تحقیقی توسط لطف‌الله همدانی تحت عنوان «بررسی موانع اجتماعی حفظ و بهبود محیط‌زیست در شهر تهران» انجام شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان آگاهی مردم در خصوص مسائل محیط‌زیست در سطح پائینی قرار دارد و نیز میزان جلب مشارکت اجتماعی مردم توسط دستگاه‌های دولتی از کمترین مطلوبیت برخوردار است و در وضعیت مناسبی قرار ندارد.
- ۳- تحقیقی توسط مهرداد هادی پور تحت عنوان «بررسی آگاهی زیست‌محیطی و روش‌های بهینه آموزش محیط‌زیست در بین زنان خانه‌دار و آموزگاران شهر اراک» انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که هر دو جامعه آماری بی‌اطلاعی و ناآگاهی، ضعف فرهنگی، عدم احساس مسئولیت و اجرای نامناسب قانون را عامل ایجاد و پیشرفت بحران زیست‌محیطی تشخیص داده‌اند.
- ۴- تحقیقی توسط سیدن ستریکو و جان ماریو در دانشگاه کمریل تحت عنوان «جامعه‌شناسی، ساختار جامعه در توسعه علوم زیست‌محیطی» در سال ۲۰۰۴ انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد سیاست‌های ملی، عوامل اقتصادی، کوتاهی و نقص سازمان‌دهی، مشارکت مردم در تهیه برنامه‌های زیست‌محیطی نتوانسته مردم را ترغیب به حفظ محیط‌زیست نماید.

مبانی نظری

نظریه ساختارگرایی:

ساختارگرایی اجتماعی بر این باور است که گرچه مسائل محیطی ممکن است از واقعیت بسزایی به خودی خود برخوردار باشند ولی بدون تحقیق در زمینه بافت فرهنگی، تاریخی و اجتماعی که این مسائل را احاطه نموده است، قابل درک نمی‌باشند. (Salehi, 2010:12)

تئوری همبستگی اندام واره:

انسان، در طبیعت خویش درگیر شهوات است و اگر این فشار عینی و خارجی وجود نداشته باشد جامعه انسانی به جنگل بیشتر شبیه خواهد شد. این گرایش‌های هستی‌شناختی بهترین دلیل و توجیه علمی بود که دورکیم برای دفاع از نظم حاکم و تسلیم فرد به جمع می‌توانست ارائه دهد. دورکیم معتقد است که این فشار و تحمیل اجتماعی در نظامی ساختاری از همبستگی اجتماعی رخ می‌دهد، بدین روال سلامت جامعه را منوط به میزان درجه همبستگی اجتماعی آن‌ها دانسته و بررسی این میزان را از وظایف علم جامعه‌شناسی می‌داند. همبستگی اجتماعی، می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه را تعیین کند. هر جا که این همبستگی نیرومندتر باشد افراد را به‌سوی هم متمایل‌تر کرده و بر میزان روابط متقابل میان آنان می‌افزاید و برعکس هر چه میزان همبستگی کمتر باشد از تنوع روابط و برخوردهای میان افراد کاسته خواهد شد. (تنهایی، ۱۳۷۷: ۱۳۳-۱۳۲)

نظریه اخلاقی شوایتزر:

آلبرت شوایتزر در کتاب تمدن اخلاق خود این‌گونه بیان کرده: «همان‌طور که در میل به زیستن اراده معطوف به زیستی در نزد خود من آرزوی حیات و زندگی بیشتر وجود دارد همین امر به‌طورکلی در میل به زیستن در پیرامون من حاکم است، فرقی نمی‌کند که او خود بتواند این خواست را به من بفهماند یا تمایل و اشتیاقی بیان نشده باقی بماند.» از نظر او اخلاق عبارت از همین است که من ضرورت حرمت‌گذاری برای حیات یا اراده معطوف به زیستن را احساس کنم. (پویمان، ۱۳۸۴: ۱۸۵)

نظریه جامعه مخاطره‌آمیز:

این نظریه توسط اولریک بک مطرح شده است به نظر او دگرگونی اخیر جوامع باختری به تأکید بر مسائل زیست‌محیطی اشاره دارد تأکید وی بر بهداشت، اثرات اجتماعی، اقتصادی،

فرهنگی زیست محیطی به طور اعم و تولید مبتنی بر علم و فن آوری به طور اخص است. (بری، ۱۳۸۱: ۲۰۴)

از نظر بک دانش و آگاهی اشاعه و انتقال این ریسک‌ها مهم هستند. اصل احتیاط جنبه مهمی از رابطه میان نظریه اجتماعی و ریسک‌های زیست محیطی را تشکیل می‌دهد. این اصل در سال‌های اخیر به نظرات ارزیابی ریسک و مدیریت، وارد شده است و بر این محور می‌چرخد که در شرایط عدم تعیین، عقلانیت حکم می‌کند محتاط باشیم و به اعمال خطرآفرین دست نزنیم این اصل بر آن است تا بستر را از شکل‌های جبران نشدنی دخالت در محیط زیست منع نماید. (همان: ۲۱۶)

نظریه آسیب‌شناسی

آسیب‌شناسی جامعه‌شناختی دورکیم عمدتاً دو حالت دارد: گاه ممکن است سیستم و نظام اجتماعی دچار مشکل شود، گاه افراد و گروه‌های کوچک داخل اجتماع درگیر مشکل شوند مثلاً فرد یا افرادی به این دلیل که نمی‌توانند انتظار سیستم را برآورده کنند با مشکل عدم تطابق روبرو هستند البته این امر خود ریشه در مسائل اجتماعی دارد ممکن است که فرد از نظام تقسیم‌کار اخراج شده باشد یا به هر دلیل دیگری از این نظام جدا شود، در این حالت همبستگی‌اش با جامعه کم می‌شود و این گسستگی باعث بروز فساد اجتماعی خواهد شد. اغلب کارکردگرایان انسجامی معتقدند که انسان طبیعت شروری دارد، بنابراین در نظام دورکیمی اگر نتوان فرد را در فرایند اجبار اجتماعی قرار داد و با اجتماع همراه کرد، وی منافع فردی خود را بر منافع جمعی تفوق می‌دهد و لذا جامعه با آسیب و انحراف روبرو می‌شود و این آسیب‌ها و انحرافات با گرایش‌های فردگرایانه و یا گرایش‌های خودگرایانه نمود پیدا می‌کند. (تنهایی، ۱۳۷۷: ۱۴۱-۱۴۰)

چارچوب نظری

پژوهش حاضر به دلیل آنکه در حوزه‌ای بین‌رشته‌ای بررسی می‌گردد، بنابراین ضمن آنکه از دیدگاه‌های زیست‌محیطی با گرایش‌های اجتماعی تأثیر پذیرفته است، با رویکرد جامعه‌شناسی به تحلیل می‌پردازد.

امیل دورکیم

دورکیم جوامع را به دو نوع تقسیم کرده است: جوامعی با همبستگی مکانیکی و جوامعی با همبستگی ارگانیکی یا اندامی. در جامعه‌ای که همبستگی مکانیکی حاکم است، افراد جامعه چندان فرقی با هم ندارند اما در جامعه ارگانیکی، افراد با هم متفاوت می‌باشند، با احساسات متفاوت و دارای تمایز اجتماعی. (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۶) آنچه که بین مردم رواج دارد و عمومی است، حالت طبیعی دارد و هر آنچه اکثر مردم انجام می‌دهند، هنجار شناخته می‌شود و مردم رفتارهایشان را با آن تطبیق می‌دهند. رفتارهایی که امروز در جامعه انجام شده و به نحوی موجب انواع آلودگی می‌گردد، به عنوان هنجار در جامعه جریان دارد. (مانند بوق زدن، زباله ریختن در محیط و غیره هیچ‌کس به خاطر انجام چنین کارهایی سرزنش و حتی مجازات نمی‌شود). (بودون، ۱۳۸۵: ۷۸۱) دورکیم این را مسئله اصلی می‌داند که پیوند اجتماعی، محصول واقعیت‌های اجتماعی است. واقعیت‌های اجتماعی را روش‌های اندیشیدن، عمل کردن و احساس کردن تعریف کرده است. (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۵۰۵)

دورکیم معتقد است شهوات بشری فقط در برابر یک نیروی اخلاقی معتبر باز می‌ایستند. اگر هیچ نوع اقتدار اخلاقی وجود نداشته باشد تنها قانون جنگل فرمانروا خواهد بود و ستیزه‌جویی به صورت پنهان یا به شکل حاد، ناگزیر حالتی مزمن به خود خواهد گرفت. (آرون، ۱۳۷۷: ۳۵۹) دورکیم به ضرورت عمیق اصلاحات اجتماعی و اخلاقی عقیده داشت. (همان: ۴۳۴)

تالکوت پارسونز:

پارسونز برخی از پیش‌نیازهای کارکردی نظام اجتماعی را مشخص کرد. نخست آنکه هر نظام اجتماعی باید چنان ساختار گیرد تا بتواند به گونه‌ای سازگار با نظام‌های دیگر عمل کند. (ساختارش به گونه‌ای باشد که به نوبه خود و در کنار جوامع دیگر به حفظ محیط‌زیست بپردازد). دوم آنکه هر نظام اجتماعی برای آنکه باقی بماند باید از پشتیبانی ضروری نظام‌های دیگر برخوردار باشد. سوم آنکه هر نظامی باید نیازهای مهم کنشگرانش را به اندازه کافی برآورده

سازد. (نیازهای اولیه افراد را در این زمینه برآورده سازد و بعد از آن از افراد انتظار پاسداری از محیطزیست را داشته باشد.) چهارم آن که یک نظام باید مشارکت کافی اعضایش را برانگیزاند. (یک نظام با عملکرد مناسب خود راه‌هایی را ابداع کند که حس مسئولیت مردم را در این زمینه برانگیزد.) پنجم آن که یک نظام باید حداقل نظارت را بر رفتار بالقوه مخرب اعضایش داشته باشد. ششم آن که اگر چنانچه کشمکش‌ها به اندازه کافی مخرب گردند، آن‌ها را تحت نظارت درآورد. (ارزش‌ها و هنجارهای مناسب در این زمینه را باید بسط و گسترش داد و نهادینه کرد تا درونی گردد) (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۳۵)

پارسونز فرهنگ را نیروی عمده‌ای می‌انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. (همان: ۱۳۹-۱۳۸)

به عقیده پارسونز هنجارها و ارزش‌ها در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کنند. پارسونز بیان کرد که کنش چیزی جز کوشش در جهت تطبیق با هنجارها نیست. (همان: ۱۵۹)

ماکس وبر:

نزد وبر مفهوم اخلاق، یعنی در معنای جامع کلمه، اعمال و رفتار جایگاه اول را دارد. آنچه برای او جالب است جهت‌یابی‌های هنجاری هستند که شیوه زندگی شخصی را ساماندهی می‌کنند مسئله تبیین این است که چرا برخی رفتارها برای ما احیا می‌شوند، حتی اگر در نگاه اول توقعات و منطقشان مانعی در برابر ارضای برخی غرایز و خواهش‌های نفسانی هستند. یکی از شرایط این مشروع سازی این است که مجموعه ارزش‌هایی که میدان تجربه ما را در قبال مهم‌ترین ابعادش ساماندهی می‌کنند به تکالیف قومی مشروعیت می‌بخشند. (بودون، ۱۳۸۵: ۳۴۹)

وبر به دین به عنوان بعدمحوری فرهنگ اشاره می‌کند و بر محتوای ذهنی نظام‌های تجربه، ایمان و اعتقاد، تأکید دارد. وی معتقد است با آغاز مدرنیته، جهان به سمت تهی شدن از معنا پیش می‌رود و در عصر بوروکراسی به جای کسب نوعی تعالی، توجه اصلی بشر بر کارایی و عقلانیت است با این تفاسیر زندگی مقصد و معنی خود را گم کرده و انسان‌ها در دامی افتاده‌اند که او آن را قفس آهنین بوروکراسی پوچ و عقلانیت بی‌معنا نامیده است. وبر با تأکید بر اهمیت محوری و تقریباً همه‌جانبه باورهای دینی در زندگی بشر، فضایی برای استقلال فرهنگ ایجاد می‌کند. (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۹۵)

و بر خصیصه عمده جامعه جدید را در توسعه روند عقلانیت می‌داند نه در تمایز پذیری اجتماعی و هریک از این مفاهیم [از دیدگاه وی] هم از نظر تعبیر علمی پدیده‌ها و هم از لحاظ ارزش‌گذاری اخلاقی و فلسفی، نتایج متعدد به بار می‌آورند. (آرون، ۱۳۷۷: ۴۳۹)

ژرژ تومه:

تومه در مقام نویسنده‌ای محیط‌گرا، معتقد است که میزان احترام شهروندان هر جامعه به اخلاق محیطی و حفاظت از محیط طبیعی، از جمله معیارهای سنجش میزان توسعه فرهنگی در آن جامعه محسوب می‌شود. (تومه، ۱۳۸۰: ۱۵)

ژرژ تومه معتقد است فرهنگ و جامعه با هم در تعامل هستند و فرهنگ هدایت‌کننده عملکرد افراد جامعه است. با تغییر فرهنگ، می‌توان رفتار مردم را تغییر داد اما فرهنگ فقط یک عامل یا یک واژه و عبارت نیست، بلکه دنیای گسترده‌ای است. فرهنگ متشکل از عادات و آداب است عاداتی که در طی زمان شکل گرفته‌اند و مردم مطابق آن‌ها رفتار می‌کنند. (همان: ۵)

تومه معتقد نیست که بایستی توسعه مادی را متوقف کرد، بلکه بایستی با پذیرش اخلاق محیطی، به توسعه، بعدی فرهنگی بخشید. هدف نهایی آموزش‌ها و اخلاق محیطی، ایجاد تقویت رفتار ایده‌آل محیطی است. بین محیط‌زیست و توسعه فرهنگی ارتباط متقابل وجود دارد. اگر توسعه دارای بعد فرهنگی باشد بهتر می‌توان از محیط‌زیست حفاظت کرد و اگر محیط‌زیست محافظت شود، این عمل سبب تقویت هویت فرهنگی خواهد شد. بدین ترتیب هدف نهایی، مترادف ساختن توسعه با فرهنگ است. (همان: ۱۳)

آنتونی گیدنز:

گیدنز برخلاف جامعه‌شناسان کلاسیک، به موضوع‌های محیط‌زیستی و جایگاه طبیعت در نظریه اجتماعی خود توجه بیشتری نشان داده است. توجه او به محیط‌زیست در نظریه جهانی‌شدن خود را آشکار می‌کند. به بیان او «در سنت‌های فکری که با جامعه‌شناسی آمیخته‌اند، مشغله‌های زیست بومی چندان جایی ندارند. صنعت‌گرایی، دنیایی ترسناک‌تر آفرید. به‌طوری‌که دگرگونی زیست محیطی زیان‌آوری رخ می‌دهد که هیچ‌کس بر روی کره زمین از تأثیر آن‌برکنار نیست». (بری، ۱۳۸۱: ۱۲۱)

گیدنز سیاست‌های زیست محیطی را پیشرفت‌هایی می‌داند که به سمت اخلاقی شدن نظم اجتماعی، نهادها و روابط گرایش دارد و این نکته برای او بسیار ارزشمند است. او جنبش‌های زیست محیطی را کوششی می‌داند برای استقرار فردی بنیادهای اخلاقی و امنیت هنجاری در

زندگی مردم. اخلاقیاتی که وی آن را می‌پسندد آن اصولی هستند که در دنیای امروزی و شهرنشینی از بین رفته‌اند. «یکی از پدیده‌های نوسازی شهری، از دست رفتن حس زندگی در میان نظم طبیعی است زندگی در محیط شهری، مردم را از واقعیات دنیای طبیعی و وابستگی جامعه به آن دور می‌کند.» (همان: ۱۲۴)

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق: به نظر می‌رسد بین عوامل فرهنگی و رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست رابطه وجود دارد.
فرضیه‌های فرعی تحقیق:

- ۱- به نظر می‌رسد آموزش و آگاهی مناسب در جامعه بر تقویت رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران مؤثر است.
- ۲- به نظر می‌رسد احساس مسئولیت در جامعه در حفظ محیط‌زیست شهر تهران مؤثر است.
- ۳- به نظر می‌رسد ارزش‌های دینی و سنتی در جامعه در تقویت رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران مؤثر است.
- ۴- به نظر می‌رسد بین اخلاق اجتماعی در جامعه و رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین هنجار سازی‌ها از سوی ارگان‌ها و سازمان‌ها و رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست شهر تهران رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق روش پیمایشی است و ابزار سنجش پرسشنامه است.

جامعه آماری

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق، کل افراد ساکن در دو منطقه ۵ و ۱۸ شهرداری تهران را در برمی گیرد که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵،۹۹۲۰۳۰ نفر ساکن می باشند.

روش نمونه گیری و حجم نمونه

به دلیل گستردگی جامعه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای و تصادفی استفاده شده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران معادل ۳۸۴ نفر برآورد گردید که با توجه به احتمال افت آزمودنی ها و یا پرسشنامه های ناقص به تعداد ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر زن و ۲۰۰ نفر مرد) افزایش یافت. پرسشنامه های تنظیمی توسط ۲۰۰ نفر از ساکنین منطقه ۵ و ۲۰۰ نفر از ساکنین منطقه ۱۸ تکمیل گردید.

اعتبار و روایی پرسشنامه

برای تأمین اعتبار پرسشنامه، پرسشنامه طراحی شده که حاوی ۳۹ سؤال بود با اساتید و متخصصان مربوطه در خصوص جامع بودن، در نظر گرفتن جنبه های متفاوت متغیرها، استحکام و ربط منطقی بین سؤالات و همچنین مناسب بودن طراحی سؤالات نظرخواهی و مشورت گردید و اصلاحاتی نیز انجام شد. پس از انجام اصلاحات اقدام به تکثیر پرسشنامه و تکمیل آن گردید. جهت سنجش میزان روایی ابزار سنجش یک تحقیق مقدماتی با حجم نمونه ای معادل ۴۰ پرسشنامه توسط افراد ۲ منطقه مورد نظر تکمیل گردید و سپس جهت ارزیابی با استفاده از نرم افزار SPSS به روش آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. میزان آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۲ برآورد گردید که بیانگر هم سازی، همگنی و پایداری درونی سؤالات است.

تعریف متغیرها

الف) هنجارهای زیست محیطی

منظور ما از هنجارهای اجتماعی خصیصه‌هایی‌اند که فرد بنا بر آن‌ها رفتار می‌کنند. رفتار هنجاری در این تحقیق، رفتاری فرض شده است که فرد آن را بنا بر رفتار دیگران تنظیم کرده است. برای بررسی هنجارها از چهار گویه‌ی محقق‌ساخته استفاده شده است (جدول ۱).

تعریف عملیاتی متغیرها

جدول ۱. رابطه متغیرهای مستقل و معرف‌ها

معرف‌ها	متغیرهای مستقل
تذکر به دیگر شهروندان و ممانعت از کارهای تخریب محیط‌زیستی	احساس مسئولیت
انتقاد به مسئولین	
خود را نیز مسئول دانستن (تنها انتظار از مسئولین نداشتن)	
عدم بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی	
عضویت در گروه‌ها و یا تشکلات محیط‌زیست	
احترام به حقوق دیگران	اخلاق اجتماعی
کوشا بودن در پاکیزگی شهر مانند خانه	
همکاری و مشارکت در برنامه‌های محیط‌زیستی	
وسایل ارتباط جمعی (صداوسیما)	هنجارسازی توسط ارگان‌ها و سازمان‌های مسئول
تبلیغات و بیلبوردها	
نظارت دقیق و عمومی	
ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی	
انتشار پروشورها و مجلات به‌صورت رایگان	
آموزش‌های زیست‌محیطی در مقاطع مختلف تحصیلی	آگاهی و آموزش‌های زیست‌محیطی
روزنامه‌های کثیرالانتشار	
اینترنت	
نشریات و مجلات	
آشنایی با قوانین و مقررات زیست‌محیطی	
عدم اسراف و تبذیر	دین
پرهیز از حرص و آز	
امانت‌داری	
سیاست‌گذاری و پاسداری از نعمت‌های الهی	
احساس گناه	
رسم‌های گذشته	ارزش‌های سنتی و دینی
احیاء آداب و رسوم و سنت‌های قدیمی جهت حفظ محیط‌زیست (استفاده از پاکت‌های کاغذی به‌جای نایلونی، استفاده از بطری‌های شیشه‌ای انواع نوشیدنی‌ها به‌جای بطری‌های پلاستیکی و...)	

جدول ۲. رابطه ابعاد و معرف‌های حفظ محیط‌زیست

متغیر وابسته	ابعاد	معرف‌ها
حفظ محیط‌زیست	رفتارهای زیست‌محیطی	تخریب محیط‌زیست
		ریختن زباله در مکان‌های عمومی و طبیعت
		شکستن شاخه درختان و یادگاری نوشتن روی تنه درختان
		کندن گل‌ها و گیاهان، آتش‌روشن کردن در جنگل‌ها
		به وجود آوردن انواع آلودگی
حفظ محیط‌زیست	رفتارهای زیست‌محیطی	تفکیک زباله‌های منزل
		میزان علاقه‌مندی به اماکن طبیعی و طبیعت
		عمل کردن به طرح‌ها و برنامه‌های زیست‌محیطی
		استفاده از وسایل نقلیه عمومی در روزهای اضطرار آلودگی هوا
		رعایت طرح‌های خودروهایی زوج و فرد و...

یافته‌های تحقیق

جدول ۳. رابطه بین احساس مسئولیت و رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۲۱	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر با صفر است که کوچک تر از ۰,۰۵ است؛ یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تأیید می شود؛ به عبارت دیگر احساس مسئولیت با حفظ محیط‌زیست رابطه دارد. شدت رابطه بین دو متغیر احساس مسئولیت و حفظ محیط‌زیست خوب است و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر با افزایش احساس مسئولیت در افراد، میزان حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی افزایش می‌یابد و با کاهش احساس مسئولیت میزان رفتارهای زیست‌محیطی نیز کاهش خواهد یافت.

جدول ۴. رابطه بین اخلاق و رفتارهای معطوف به حفظ محیط زیست

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۳۹	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر با صفر است که کوچک تر از ۰,۰۵ است؛ یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تأیید می شود؛ به عبارت دیگر اخلاق اجتماعی با حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی رابطه دارد. شدت رابطه بین دو متغیر اخلاق اجتماعی و حفظ محیط زیست خوب است و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر هرچه اخلاق اجتماعی در بین افراد جامعه افزایش یابد حفظ محیط زیست نیز بهتر می شود و بالعکس.

جدول ۵. رابطه بین هنجار سازی و رفتار زیست محیطی

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۲۱	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر است با ۵۹٪ که بزرگ تر از ۰,۰۵ است؛ یعنی با اطلاعات موجود H_1 (فرضیه پژوهشگر) رد می شود و H_0 تأیید می شود؛ به عبارت دیگر هنجار سازی با حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی رابطه معناداری ندارد.

جدول ۶. رابطه بین آموزش و رفتارهای معطوف به حفظ محیط زیست

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۱۳	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر با صفر است که کوچک‌تر از ۰۰۵ است؛ یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می‌شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر آموزش با حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی رابطه دارد. شدت رابطه بین دو متغیر آموزش و حفظ محیط‌زیست متوسط و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر هرچه آموزش در بین افراد جامعه افزایش یابد حفظ محیط‌زیست نیز بهتر می‌شود و بالعکس.

جدول ۷. رابطه ارزش‌های سنتی و دینی و رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست

نوع همبستگی	میزان همبستگی	جهت همبستگی	سطح معناداری
پیرسون	۰/۴۴	مثبت	۰/۰۰

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۵٪، سطح معناداری برابر است که کوچک‌تر از ۰۰۵ است؛ یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد می‌شود و H_1 (فرضیه پژوهشگر) تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر ارزش‌های سنتی و دینی با حفظ محیط‌زیست رابطه دارد. شدت رابطه بین دو متغیر ارزش‌های سنتی و دینی و حفظ محیط‌زیست قوی و جهت رابطه مستقیم است. به بیان دیگر با افزایش ارزش‌های سنتی و دینی در افراد، میزان حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی افزایش می‌یابد و با کاهش ارزش‌های سنتی و دینی میزان رفتارهای زیست‌محیطی نیز کاهش خواهد یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

موضوع تحقیق حاضر بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست شهر تهران است. در مباحث گزارش یافته‌ها و آزمون فرضیات، توصیف جامعه مورد مطالعه بررسی شد. حال با توجه به آنچه آورده شد نتایج این تحقیق با استفاده از نظریه‌های موجود در زمینه حفظ محیط‌زیست مورد تبیین و توضیح قرار می‌گیرد.

با توجه به آزمون پیرسون در این تحقیق مشخص گردید که با سطح اطمینان ۹۵٪ بین «احساس مسئولیت» و «حفظ محیط‌زیست» رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد به این معنا که با افزایش احساس مسئولیت در افراد میزان حفاظت از محیط‌زیست در جامعه نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس.

همان‌طور که در نظریات بیان شد دورکیم جوامع را دارای دو نوع همبستگی ارگانیک و مکانیک تقسیم کرده است؛ بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که جوامع شهری مانند جوامع ارگانیک می‌باشند که مردم جهت هر کار و مسئله‌ای، واحد و سازمانی را مسئول می‌دانند و حس مسئولیت این افراد بسیار پائین است بخصوص در مورد حفظ محیط‌زیست شهر با توجه به آلودگی سطح شهر کاملاً مشهود است. مثلاً نظافت شهر را لزوماً وظیفه مسئولین شهرداری و خود را از هرگونه اقدامی در این جهت مبرا می‌دانند و حتی در بسیاری موارد حاضر به جمع‌آوری زباله‌هایی که خود باعث ریختن و به وجود آوردن آن در سطح شهر می‌شوند نیستند. این حس بی‌مسئولیتی در سطح شهر و بین افراد باعث ضررهای مهلکی به محیط‌زیست شهر و همچنین سلامت تک‌تک شهروندان می‌شود. همان‌طور که پارسونز در برشمردن پیش‌نیازهای خود دومین پیش‌نیاز را این‌گونه بیان کرده که هر نظام اجتماعی برای آن‌که باقی بماند لازم است از پشتیبانی نظام‌های دیگر برخوردار باشد. از این سخن پارسونز می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که حفظ محیط‌زیست در یک جامعه وظیفه یک نهاد و یک ارگان یا یک سازمان نیست بلکه تک‌تک افراد، نهادها و سازمان‌ها نسبت به این امر مهم مسئول هستند و سازمان حفاظت محیط‌زیست و دیگر ارگان‌ها و مسئولین بدون پشتیبانی نهادها و ارگان‌ها و همه مردم نمی‌توانند موفق باشند و این امر مسلم است که هرچه حس مسئولیت‌پذیری افراد بالا رود با محیطی پاک و زیبا روبه‌رو خواهند شد.

نتیجه دیگری که در این تحقیق با توجه به آزمون پیرسون با سطح اطمینان ۹۵٪ به دست آمد این بود که بین متغیر «اخلاق اجتماعی» و «حفظ محیط‌زیست» نیز رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. به این معنا که اگر اخلاق اجتماعی در سطح جامعه ما نهادینه و پایدار گردد میزان حفظ محیط‌زیست نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

همان‌طور که در بخش نظریات بیان شد دورکیم به ضرورت عمیق اصلاحات اجتماعی و اخلاقی عقیده داشت و معتقد بود که قواعد اخلاقی، تضادها و کنش‌ها را تخفیف می‌دهد یعنی با رواج اخلاق اجتماعی در بین افراد یک جامعه می‌توان تضادها را در رفتارهای افراد کاهش

داد. تا زمانی که اخلاق اجتماعی در یک جامعه به‌طور مناسب رواج نداشته باشد و تا زمانی که افراد به حقوق یکدیگر احترام نگذارند و خودخواهی را سرلوحه رفتارهای خویش قرار دهند نمی‌توان انتظار محیط‌زیستی پاک و سالم را داشت. همان‌طور که پارسونز بیان می‌کند معیارهای اخلاقی، همان شگردهای یکپارچه‌کننده و حاکم بر نظام کنش می‌باشند و همچنین وبر معتقد است مفهوم اخلاق یعنی در معنای جامع کلمه، اعمال و رفتار جایگاه اول را دارد؛ بنابراین با توجه به تأیید شدن این فرضیه که اخلاق اجتماعی بر محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی مؤثر است به این نتیجه می‌رسیم که اخلاق عامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای بر رفتارهای انسان‌ها است همچنین عامل مهمی در حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی مناسب است.

با توجه به نتایج آزمون پیرسون با سطح اطمینان ۹۵٪ در مورد فرضیه دیگر این تحقیق مشخص گردید رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیر «ارزش‌های دینی و سنتی» و «حفظ محیط‌زیست» است.

گیدنز معتقد است صنعت‌گرایی، دنیایی ترسناک‌تر آفرید به‌طوری‌که دگرگونی زیست‌محیطی زیان‌آوری رخ می‌دهد که هیچ‌کس برای کره زمین از تأثیر آن بر کنار نیست و دورکیم معتقد است که با توسعه جوامع امروزی مذهب روبه زوال می‌گذارد و معتقد است کوشش نوسازی مذهب واکنشی است نسبت به تضعیف اعتقادهای سنتی. از این مباحث می‌توان چنین نتیجه گرفت که پررنگ کردن آموزه‌ها و سفارش‌ها دینی همچنین راه و روش‌های سنتی و قدیمی در مورد حفاظت از محیط‌زیست می‌تواند تأثیر بسزایی در حفظ و حراست و پایداری آن داشته باشد و رفتارهای زیست‌محیطی مناسبی را در پی داشته باشد و این مسئله در جامعه ما مطمئناً مؤثرتر و مهم‌تر است و همچنین نشان‌دهنده آن است که گرچه جامعه ما نیز همراه با جامعه جهانی با تغییرات و پیشرفت تکنولوژی فناوری و اطلاعات روبرو است اما با تأملی در رفتار و اعمال آن‌ها به‌وضوح می‌توان دید که افکار و عقاید مردم جامعه ما ریشه سنتی و دینی دارد که تعیین‌کننده اعمال و رفتار آن‌هاست و در نهایت این امر در جامعه اسلامی ما برجسته‌تر است و به‌عنوان یک عامل محوری نیز از آن می‌توان یاد کرد. همان‌طور که وبر دین را به‌عنوان بعد محوری فرهنگ نام برده است.

با توجه به آزمون ضریب همبستگی پیرسون با سطح اطمینان ۹۵٪ در این تحقیق مشخص گردید متغیر «هنجارسازی» بر «حفظ محیط‌زیست» تأثیری ندارد.

بنا بر نظریات مطرح شده افراد قبل از انجام هر عملی خود را با ارزش‌های جامعه سازگار می‌کنند چنانچه خلاف هنجاری اقدام نمایند از طرف جامعه طرد می‌شوند، می‌توان گفت اگر هنجاری در یک جامعه مورد تأیید باشد مردم بر اساس آن رفتار می‌کنند اما در این تحقیق برخلاف نظریات مطرح شده تأثیر هنجار سازی بر حفظ محیط‌زیست رد شد. این نتیجه را این‌گونه می‌توان تبیین کرد که ساخت اغلب هنجارها در جامعه توسط ساختار کلی یعنی دولت و دولتمردان انجام می‌شود و چون دید مردم نسبت به عملکرد و برنامه‌ریزی و طرح‌ها و بیانات دولتمردان مثبت نیست در نتیجه از عمل به هرگونه هنجار مورد تأیید ایشان سرباز می‌زنند هرچند هنجار مطرح شده درست و مقبول هم باشد اما چون از طرف ساختاری که مورد قبول و پذیرش عام نیست مطرح شده مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. ممکن است در یک پروسه زمانی آن هنجار در جامعه ثبات پیدا کند و مطمئناً زمانی است که مردم خود به صحت و سقم و حقیقت آن آگاه گردند.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون با سطح اطمینان ۹۵٪ نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیر «دانش و آگاهی» و «حفظ محیط‌زیست» وجود دارد.

همان‌طور که اولریک بک در پایان ذکر مخاطرات جهانی خود اعلام داشته، دانش و آگاهی در اشاعه و بیان آن‌ها امر بسیار مهمی است می‌توان سخن او را مهر تأیید بر این بیان دانست که خطرات زیست‌محیطی را باید به‌وضوح و شفاف بیان کرد و مردم را آگاه ساخت همچنین به آن‌ها آموزش داد در جهت حفظ محیط‌زیست، در این راستا چگونه گام بردارند. هر جامعه‌ای که می‌خواهد افرادش در جهت رفتارهای مورد تأیید آن جامعه گام بردارد باید افرادش را پرورش داده و با کسب دانش، آگاهی‌های آن‌ها را افزایش دهد تا زمانی که افراد از نتایج مخرب و زیان‌بار زیست‌محیطی خودآگاهی کافی نداشته باشند و یا آموزش‌های لازم جهت حفظ محیط‌زیست شهر به آن‌ها داده نشود چگونه باید انتظار داشت که آن‌ها در این راستا همگام باشند. با توجه به سخن پارسونز که معتقد است آگاهی به‌عنوان گرایش ارادی وسایل دستیابی به هدف‌ها است، گواه بر همین امر است؛ یعنی اگر مردم آگاه باشند و اطلاعات کافی در این زمینه داشته باشند بدون جبر و ناخودآگاه در این راستا تلاش خواهند کرد.

در پایان بحث لازم است که یک جمع‌بندی کلی در رابطه با عوامل فرهنگی ذکر شده بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی ارائه شود.

برای تبیین حفظ محیط‌زیست به نظر می‌رسد اولین واژه فرهنگی تأثیرگذار، احیاء سنت‌های گذشته و پیرنگ کردن مسائل دینی در این زمینه باشد؛ یعنی مسائلی که مردم قلباً و باطناً آن را قبول دارند و بر اساس آن عمل می‌کنند. با توجه به مطالعات انجام شده در راستای حفظ محیط‌زیست مشخص گردید که افزایش دانش و آگاهی مردم در این زمینه گامی مهم و مؤثر است و به نظر می‌رسد رفتار بسیاری از مردم در تخریب محیط‌زیست شهر و جامعه خود از روی ناآگاهی آن‌هاست و در بیان دیگر بسیاری از افراد نه عمداً بلکه سهواً از جهت بی‌اطلاعی در راستای تخریب محیط‌زیست عمل می‌کنند. در کنار آموزش، بالا بردن اخلاق اجتماعی و تعهد و مسئولیت از عوامل مهم دیگری است که بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی تأثیر گذارند.

به‌طورکلی با توجه به عقیده پارسونز که فرهنگ را نیروی عمده‌ای می‌انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد فرهنگ میانجی کش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند، می‌توان گفت که فرهنگ عامل تعیین کننده رفتارهای افراد در یک جامعه است و رفتارهای زیست‌محیطی تک‌تک افراد نشأت گرفته از این عامل مهم است.

پیشنهادهای تحقیق

- اشاعه سنت‌های قدیمی در مورد حفظ محیط‌زیست و ارزش نهادن به این سنت‌ها در جامعه.
- افزایش آگاهی‌های عمومی در بین اقشار مختلف مردم و کلیه سطوح تحصیلی برای پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط‌زیست.
- تلاش برای بالا بردن اخلاق اجتماعی جهت نهادینه کردن و پایداری رفتارهای حفظ محیط‌زیست مناسب در سطح شهر.
- تقویت حس مسئولیت‌پذیری در حفاظت از محیط‌زیست و ارتقاء روحیه تعاون در مردم و نهایتاً تبلور فرهنگ زیست‌محیطی در اقشار مختلف کشور و فرهنگ عمومی.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۷)، *مراحل / سلسله سیر اندیشه در جامعه شناسی*، مترجم باقر پرهام، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ چهارم.
- ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۷۷) *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه شناسی*، گناباد، چاپ شرکت تعاونی، چاپ سوم.
- اژدری، افسون (۱۳۸۲) *توسعه فرهنگی و محیط‌زیست*، فصلنامه علمی سازمان حفاظت محیط‌زیست، شماره ۳۹.
- اسلام زاد، وحید (۱۳۸۲) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست*، نشر سازمان سبز حزب اسلامی کار.
- اصغری لقمجانی، صادق (۱۳۷۸) *مبانی حفاظت محیط‌زیست در اسلام*، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- بری، جان (۱۳۸۰)، *محیط‌زیست و نظریه اجتماعی*، ترجمه حسن پویان، نیره توکلی، انتشارات سازمان محیط‌زیست، چاپ اول.
- بودون، ریمون (۱۳۸۵) *فرهنگ انتقادی جامعه شناسی*، ترجمه عبدالحسن نیک گهر، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- پورنجف و همکاران، (۱۳۸۶)، *بررسی وضعیت عوامل زیست محیطی در ارتباط با سلامت جامعه شهری / ایلام*، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره پانزدهم، شماره سوم.
- پویمان، لویی. پ (۱۳۸۴) *اخلاق زیست محیطی*، ترجمه گروه مترجمان، تهران، نشر توسعه، جلد اول، چاپ اول.
- تومه، ژرژ (۱۳۸۰)، *توسعه فرهنگی و محیط‌زیست*، محمد شارع پور، غزال (باز)، چاپ اول.
- دبیر سیاقی، سید منوچهر (۱۳۸۳)، *بحران محیط‌زیست*، قم، انتشارات حدیث امروز، چاپ اول.
- دولت آبادی، حسن (۱۳۸۲)، *فرهنگ محیط‌زیست*، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، چاپ دوم.
- صالحی امیری، سیدرضا، (۱۳۸۶)، *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*، نشر فقنوس.

فرصت، محمد، (۱۳۸۴)، *ارزشیابی آموزش زیست محیطی در نظام آموزش عالی کشور*، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، رشته مدیریت محیط زیست (Ph.D)، استاد راهنما آقای دکتر مجید عباسپور، آقای دکتر سید محمود شریعت.

کوزر، لوئیس، (۱۳۷۷)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ هفتم.

مارشال، گوردون (۱۳۸۸)، *فرهنگ جامعه شناسی (اکسفورد)*، حمیرامشیر زاده، نشر میزان، چاپ اول. محسن زاده و همکاران، احمدعلی (۱۳۸۸) *حقوق محیط زیست (نظریه ها و رویه ها)*، انتشارات خرسندی، چاپ اول.

ولایی، عیسی، (۱۳۸۴)، *الگوهای رفتار با طبیعت (محیط زیست) از دیدگاه قرآن و سنت*، پایان نامه دکتری (Ph.D) رشته علوم قرآن و احادیث دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، استاد راهنما دکتر محمدعلی لسانی فشارکی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی